

روش‌شناسی نظریه‌پردازی در مطالعات سازمان و مدیریت: پژوهشی تطبیقی

حسن دانائی فرد*

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۷/۱۰/۲۳

دریافت: ۸۵/۲/۲۴

چکیده

صاحب‌نظران معتقدند اندیشمندانی که می‌خواهند نظریه‌پردازی کنند باید از دو نوع دانش تخصصی برخوردار باشند؛ دانش نسبت به پدیده‌ای که برآند تا در مورد آن تئوری‌سازی کنند و دانش نسبت به روش‌شناسی‌های نظریه‌پردازی. کانون تمرکز این مقاله مقایسه روش‌شناسی‌ها است. بر این اساس چهار روش‌شناسی اصلی در نظریه‌پردازی در علم سازمان و مدیریت، یعنی روش‌شناسی دوپین، لین هام، ون دی ون و کارلایل و کریستنس مقایسه و رهنمودهای در مورد نظریه‌پردازی ارائه خواهد شد. ضمن ارائه نقاط ضعف و قوت هر روش‌شناسی، پارادایم، نوع رویکرد، فرایند تئوری‌پردازی، رابطه پژوهشگر با کارگزار و معیار ارزیابی تئوری هر چهار روش‌شناسی با هم مقایسه می‌شود. نتیجه‌گیری می‌شود که اگر چه روش‌شناسی دوپین برای مبتدیان نظریه‌پردازی فرآیند گام به گام دقیقی ارائه می‌دهد ولی روش ون دی ون پیوند تنگاتنگ‌تری با عمل دارد، دو روش‌شناسی دیگر شباهت بیشتری با روش‌شناسی دوپین دارند. در عین هر چهار روش‌شناسی در حال حاضر مورد توجه تئوری پردازان قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، نظریه‌پردازی، قیاسی، استقرایی، نابهنجاری علمی.

۱- مقدمه

عمده‌ترین وظیفه اندیشمندان در هر حوزه علمی، ارائه رهنمودهایی است برای ارتقای مستقیم



یا غیرمستقیم کنش^۱ انسان‌ها و سازمان‌ها [۱، صص ۶۱-۷۹؛ ۲، صص ۳]. این رهنمودها حاصل تجربه ذهنی یا عملی افرادی است که کم و بیش تجربه را با قضاوت ذهنی پیوند داده‌اند. در زبان آکادمیک این رهنمودها را تئوری نام‌گذاری کرده‌اند. حال این تئوری‌ها ممکن است در سطوح مختلفی ارائه شود: سطح فرد، گروه، تیم، سازمان، صنعت، ملت، کشور، منطقه، جهان. اندیشمندان برای تدوین این تئوری‌ها، رویکردها، استراتژی‌ها، فلسفه‌ها، شیوه‌ها، ابزار و فنون مختلفی ارائه کرده‌اند. هر اندیشمندی براساس پارادایم شخصی و علمی خود، شرایط محاط بر خود، روش‌شناسی خاصی را ارائه کرده است. به عبارت دیگر هر اندیشمندی با هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی خاص خود فرایند تئوری‌پردازی را تشریح کرده است [۴؛ ۵]. مقایسه این روش‌شناسی‌ها خود مستلزم نوعی روش‌شناسی است. روش‌شناسی تطبیقی راهی است برای شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های این روش‌شناسی‌ها. در این مقایسه با بررسی اجمالی چهار روش‌شناسی برجسته در امر تئوری‌پردازی در حوزه رشته‌های کاربردی از جمله مدیریت، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را مشخص و رهنمودهایی خواهد شد.

۲- روش‌شناسی تئوری‌پردازان دوبین

دوبین در سال ۱۹۷۸ کتابی تحت عنوان "تئوری‌پردازی"^۲ منتشر کرد. این کتاب نگاهی کمی - اثبات‌گرایی به تئوری‌پردازی در حوزه‌های کاربردی داشت. از منظر دوبین تئوری‌پردازی در حوزه‌های کاربردی از رویکرد قیاسی تبعیت می‌کند [۴]. رویکردی که در بسیاری از این حوزه‌ها رویکرد غالب است. در این رویکرد مراحل طی می‌شود که در نهایت منجر به شکل‌گیری تئوری می‌شود. مراحل اصلی این رویکرد به شرح زیر است:

۱- مطالعه مبانی تئوریک پژوهش، تعیین مبانی تئوریک پژوهش، شکل‌دهی چارچوب

مفهومی؛

۲- احصای فرضیه‌ها براساس چارچوب مفهومی که روابط بین متغیرها را توصیف می‌کند؛

۱. کنش معادل Action است و متفاوت است با Behavior. کنش اشاره به رفتار هدفمند دارد. کنش توأم با فرضیه یا کنش عالمانه را Praxis گویند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود. به رابرت بی. دنهارت (۱۳۸۲). تئوری سازمان دولتی، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی، دکتر حسن دانائی فرد، تهران: نشر صفار.
۲. این کتاب به وسیله مؤلف ترجمه و آماده چاپ است.

۳- تدوین چارچوب عملیاتی برای سنجش پذیر کردن متغیرها در چارچوب مفهومی؛

۴- طراحی سنجش متغیرها و فرضیه‌ها؛

۵- آزمون فرضیه‌ها براساس داده‌های گردآوری شده به وسیله سنجش متغیرها؛

۶- تعدیل، اصلاح، تقویت تئوری اولیه که براساس رویکرد قیاسی احصا شده است.

دوبین نگاهی اثبات‌گرا دارد و مدعی است که نقطه آغاز یک تئوری باید از مشاهده و توصیف جهان واقعی آغاز شود [۷؛ ۸، صص ۵۸۴-۶۰۲]. به زعم وی این مشاهده و توصیف از جهان واقعی اصلی‌ترین جز تئوری‌ها در حوزه‌های کاربردی است. براین اساس هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی دوبین در پارادایم مدرنیست یا همان اثبات‌گرایی قرار دارد.

در روش‌شناسی دوبین اندیشه‌ورزان نیز نقش محوری و بسیار اساسی در شکل‌دهی و آزمون تئوری‌ها ایفا می‌کنند. به زعم وی چون اندیشه‌ورزان از برخی از راه‌وردهای تئوری استفاده می‌کنند غالباً نقش کلیدی و بسیار اساسی در تعریف محتوای مدل تئوریک که باید تدوین شود ایفا می‌کنند [۴]. در عین حال اندیشه‌ورزان و تئوری‌سازان از نگاه‌های مختلفی به مسأله می‌نگرند.

اندیشه‌ورزان در پی حل یک مسأله هستند، مسأله‌ای که در محیط کار فراروی آنهاست. بنابراین دغدغه اصلی آنها حل مسأله است. در مقابل مسأله فراروی تئوری‌پردازان، معنا بخشی به ناشناخته‌ها است [۹؛ ۱۰، صص ۲۵-۲۸؛ ۱۱، صص ۴۹۰-۴۹۳]. آنچه بین آن دو، یعنی تئوری‌پرداز و اندیشه‌ورزان مشترک است توافق بر سر این نکته است که "مجموعه‌ای مشترک از نشانه‌ها" وجود دارد که نیاز به بهبود و درک بیشتر نسبت به پدیده‌ها را ایجاب می‌کند. دوبین با این نگاه به تئوری‌پرداز و اندیشه‌ورز، نوعی روش‌شناسی را مطرح می‌کند که در آن یک تئوری ویژگی‌های زیر دارد:

۱- هر تئوری دارای "واحدهایی"^۱ است که با یکدیگر در تعامل‌اند؛

۲- هر تئوری نوعی قوانین "تعامل"^۲ میان "واحدها" خود وضع می‌کند؛

۳- هر تئوری مرزهایی^۳ را نشان می‌دهد که درون آنها روابطی مشخص وجود دارد؛

1. Units
2. Laws of interaction
3. Boundaries



- ۴- هر تئوری حالات مختلفی از سیستم^۱ را، (تحت تئوری) که در جهان واقعی وجود دارد به نمایش می‌گذارد؛
- ۵- هر تئوری باید گزاره‌های حکمی^۲ ارائه دهد؛
- ۶- گزاره‌های حکمی باید دارای نوعی شاخص‌های تجربی^۳ باشند،
- ۷- هر تئوری باید فرضیه‌های قابل آزمونی^۴ را از خود ساطع کند،
- ۸- تئوری باید به طور مستمر به کار برده شود؛ یعنی پژوهش مستمر را برتاباند.
- به اعتقاد دوبین، رابطه کاری مثبت بین تئوری‌پرداز و کارگزار برای شکل‌دهی و اجرای تئوری در زندگی روزانه الزامی است.

۳- روش‌شناسی تئوری‌پردازی ون دی ون

در سال ۲۰۰۷ ون دی ون^۵ چارچوبی برای "تئوری‌پردازی و طرح پژوهش"^۶ ارائه داد که به نحوی با چارچوب‌های دیگر قدری شباهت و اندکی تفاوت دارد [۱۲]. وی در کتاب خود ادعا می‌کند که رسالت اصلی اندیشمندان در یک رشته کاربردی آن است که از یک طرف پژوهش‌هایی را انجام دهند که دانش علمی در آن حوزه را ارتقا دهد و از طرف دیگر آن دانش را برای حل مسائل در عمل به کار گیرند. به گفته وی اندیشمندان در حوزه‌های کاربردی نظیر مدیریت دولتی، مدیریت بازرگانی، مهندسی، مددکاری اجتماعی، پزشکی، کشاورزی، آموزش و پرورش، روزنامه‌نگاری و حقوق باید این رسالت را سرلوحه کار خود قرار دهند [۱۲، ص ۴]. بنابراین از آن جایی که رشته مدیریت به طور کلی در جرگه رشته‌های کاربردی است، هدف تئوری‌پردازی و پژوهش تئوری‌پردازی در این رشته ارتقا دانش در حرفه مدیریت و ارائه رهنمودهایی برای فرایند حل مسئله برای مدیران است. بر این اساس پژوهش تئوری‌پردازی و تئوری‌پردازی باید در فرایند فرموله کردن مسئله و همین‌طور فرایند حل مسئله یاری‌دهنده باشند. بنابراین ون دی ون مدعی است که پژوهش تئوری‌پردازی باید هم به قلمرو آکادمیک و هم گستره عمل متعهد باشد [۱۲]. به گفته وی:

-
1. Different system states
 2. Propositions
 3. Empirical indicators
 4. Testable hypothesis
 5. Van de ven
 6. Building theory and research

سیستم‌های اجتماعی اندیشمندان و دانشگاهیان جوامع مختلفی از عملاند و صرفاً راه درک هر جامعه تعامل با آنهاست. تعاملات بین اندیشمندان و کارگزاران تصویر کلیشه‌ای را کاهش، آشنایی، احترام و اعتماد را ارتقا دهد و صحنه برای ظهور یک جامعه یادگیرنده را فراهم می‌کند [۱۲، ص ۶].

به اعتقاد ون دی ون تعاملات اندیشمند و اندیشه‌ورز در چهار حوزه بسیار اساسی شکل می‌گیرد [۱۲].

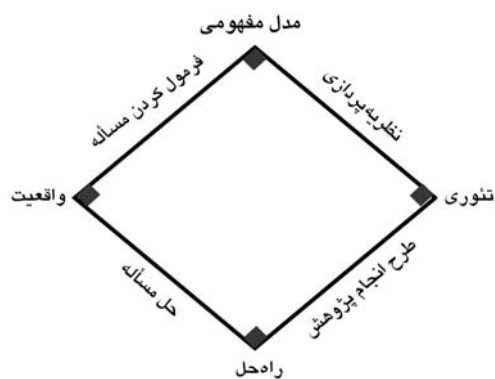
۱- فرموله کردن مسأله

۲- شکل‌دهی تئوری‌های بدیل

۳- گردآوری قرائن و شواهد

۴- به کارگیری یافته‌ها

به زعم ون دی ون زمانی که اندیشمند و اندیشه‌ورز در این چهار حوزه با هم تعامل دارند، تئوری به دست آمده در تحقق هدف دوگانه تئوری‌پردازی از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود [۱۳، صص ۴۸۶-۴۸۹]. شکل ۱ مدل ون دی ون را نشان می‌دهد.



شکل ۱ مدل پژوهش حرفه‌ای ون دی ون

مدل بالا شبیه نوعی الماس بیس بال است. به طوری که اندیشمندان می‌توانند از هر گوشه‌ای کار را آغاز کنند. این امر به پژوهشگران اجازه می‌دهد از شرایط و اولویت‌های آغازین متفاوتی کار را آغاز کنند و شیوه‌ها و سبک‌های پژوهشی مختلفی را به کار گیرند [۱۲، ص ۲۵].



می‌توان مراحل کلان مدل بالا را به شرح زیر توصیف کرد:

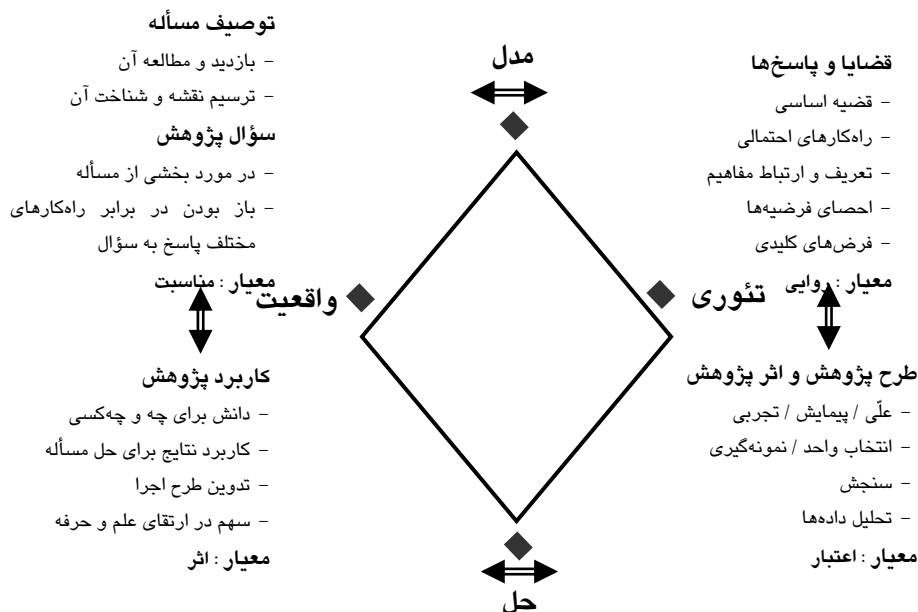
۱- فرموله کردن مسأله^۱: در این مرحله پژوهشگر باید توصیفی واضح، قطعی و روشن از نشانه‌ها، شرایط و نابهنجاری‌هایی که در جهان واقعی فراروی پدیده مورد مطالعه است، ارائه دهد. همین طور همه تصورات یا واقعیات بی‌سامان را که مرتبط با آن پدیده است، نشان دهد. شناخت این تصورات از طریق تجربه، مشاهده یا قضاوت نسبت به یک مسأله، فرصت یا موضوع بحث‌انگیزی که در یک موقعیت واقع بینانه‌ای وجود دارد، حاصل می‌شود. در واقع این نقطه، غالباً نقطه آغازین فرایند علم حرفه‌ای است [۱۲، ص ۲۵].

۲- مفهومی‌سازی: بعد از توصیف کامل مسأله، پژوهشگر سؤال اصلی پژوهش را مطرح و مبانی تئوریک یا مجموعه دانش متناسب برای حل آن مسأله را برمی‌گزیند. در واقع براساس مبانی تئوریک نوعی چارچوب تئوریک می‌سازد و سپس آن را گاهی اوقات ترسیم می‌کند. این مدل مفهومی نوعی تصویر یا چارچوب ذهنی است که پژوهشگر برای پاسخ به مسأله پژوهش خود احصا می‌کند. بر این اساس، سطح انتزاعی چارچوب‌های مفهومی متفاوتی وجود دارد. در واقع این چارچوب‌ها، دیدگاه اندیشمندان را نسبت به واقعیت پدیده‌ها سامان می‌دهند. بر این اساس دشوارترین و در عین حال محورترین مرحله پژوهش تنظیم چارچوب مفهومی است؛ زیرا در این چارچوب، مفاهیم، سازه‌ها، قضایا و فرضیه‌هایی وجود دارند که آزمون آنها منجر به یافتن پاسخ سؤال یا سؤال‌های پژوهش می‌شود [۱۲، ص ۲۵].

۳- تئوری‌پردازی: به گفته ون دی ون محورهای بنیادی در تئوری‌پردازی عبارتند از تدوین گزاره‌های روشن از روابط یا گزاره‌های مقایسه بین دو یا چند سازه است که احتمال می‌رود درون مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها یا شرایط معین یا مرزهای تئوری عمل کنند. یک تئوری مرکب از گزاره‌های حکمی در دامنه متوسطی از انتزاع و متشکل از فرضیه‌هایی در سطح عملیاتی قطعی است [۱۲، ص ۱۴].

۴- طرح پژوهش: وقتی چارچوب مفهومی با مفاهیم، سازه‌ها، فرضیه‌ها و قضایایش مشخص شد، آنگاه باید آنها را به محک تجربه و آزمون گذاشت. برای آزمون این چارچوب مفهومی باید آن را عملیاتی کرد و با استفاده از استراتژی‌ها و شیوه‌های پژوهشی آن را مورد آزمون قرار داد [۱۲، ص ۱۵].

ون دی ون برای هر کدام از بعدهای مدل خود معیارهایی نیز ارائه کرده است. شکل ۲ معیارهای تناسب، روایی، اعتبار و اثر^۱ را نشان می‌دهد.



شکل ۲ اجرای مدل ون دی ون منبع: [۱۲، ص ۲۵]

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد، مسأله‌ای که از واقعیت ناشی می‌شود باید متناسب باشد، مفاهیم تئوری باید روایی داشته باشند، پژوهش باید اعتبار مفاهیم را اثبات پژوهشی^۲ کند و پژوهش باید سهمی در ارتقای علم و حرفه مدیریت ایجاد کند. تناسب، روایی، اعتبار و اثر^۳، معیارهای ارزیابی پژوهش تئوری‌پردازی هستند [۱۲].

1. Impact
2. Verification
3. Relevance, validity, truth, impact



۴- روش‌شناسی تئوری‌پردازی کارلایل و کریستنسن^۱

بر اساس این چرخه، ساخت تئوری در دو مرحله توصیفی^۲ و هنجاری^۳ (باید) صورت می‌گیرد. در هر کدام از این دو مرحله، تئوری‌پردازان باید سه گام را طی کنند. فرایند تئوری‌پردازی در میان این گام‌های سه‌گانه بارها و بارها تکرار می‌شود [۱۴].

۵- فرایند ساخت تئوری توصیفی

مرحله تئوری‌پردازی توصیفی، مرحله ابتدایی و اولیه است؛ زیرا پژوهشگران به منظور شکل‌دهی تئوری هنجاری پیشرفته‌تر باید آن را طی کنند. این سه گام که پژوهشگران سازنده تئوری توصیفی دنبال می‌کنند عبارت‌اند از مشاهده، طبقه‌بندی و تعریف روابط^۴.

۵-۱-۱- گام ۱: مشاهده: در گام نخست، پژوهشگران و تئوری‌پردازان، پدیده مورد علاقه را مشاهده، توصیف و مورد سنجش قرار می‌دهند. در این مرحله، مشاهده دقیق، مستندسازی و سنجش پدیده در قالب کلمات و اعداد حایز اهمیت است؛ زیرا اگر پژوهشگران بعدی نتوانند بر سر توصیف‌های ارائه شده از پدیده توافق کنند، بهبود تئوری دشوار خواهد بود. در شکل ۲ این مرحله از پژوهش به عنوان قاعده هرم تئوری‌پردازی قرار داده شده است؛ زیرا نوعی مبنای تئوریک برای ادامه کار فراهم می‌کند. ذکر این نکته حایز اهمیت است که پدیده‌های بررسی شده در این مرحله صرفاً پدیده‌هایی نظیر افراد، سازمان‌ها و فناوری‌ها را در برنمی‌گیرند بلکه فرایندها نیز شامل می‌شوند. این مشاهدات در هر جایی در طول پیوستاری از تحلیل پایگاه‌های اطلاعاتی منظم تا مشاهده میدانی^۵ و قوم‌نگاری^۶ می‌تواند انجام شود.

در این مرحله، پژوهشگران غالباً براساس جوانب مختلف پدیده نوعی قالب‌های انتزاعی به نام "سازه"^۷ شکل می‌دهند. سازه‌ها به درک و تجسم پدیده و نحوه عمل آن به ما کمک می‌کنند. مفاهیم "مطلوبیت"، "هزینه مبادله" سازه‌های اقتصاددانان در تئوری‌های اقتصادی

1. Carlike & Christensen
2. Descriptive stage
3. Normative stage
4. Observation, categorization and association
5. Field-based observation
6. Ethnography observation
7. Constructs

هستند. به عبارت دیگر انتزاع‌هایی وجود دارند که برای کمک به ما جهت درک طبقه‌ای از پدیده‌ها که آنها را مشاهده می‌کنیم، شکل داده می‌شوند [۱۴]. بنابراین نمی‌توان به "مطلوبیت"، "هزینه مبادله" عنوان تئوری داد. در واقع سازه‌ها بخشهایی از تئوری هستند. ارکانی هستند که مجموعه‌های درک رفتار مصرف‌کننده و تعامل سازمانی براساس آن ساخته شده‌اند.

۵-۱-۲- **گام دوم: طبقه‌بندی:** بعد از اینکه در گام نخست پدیده بررسی شده پژوهشگر مشاهده و توصیف شد، آن پدیده درون طبقه‌هایی جای داده می‌شود. در مرحله تئوری‌پردازی توصیفی، طرح‌های طبقه‌بندی که اندیشمندان نوعاً پیشنهاد می‌دهند، براساس خصیصه‌های ۱ پدیده تعریف می‌شوند. شرکت‌های منفعل در برابر شرکت‌های فعال، ادغام افقی در برابر ادغام عمودی نمونه‌هایی از طبقه‌بندی در مطالعه استراتژی است. سازمان‌های دولتی در برابر غیردولتی، سازمان‌ها خصوصی در برابر دولتی طبقه‌بندی مورد استفاده در جامعه‌شناسی سازمان‌هاست. به طور کلی هدف طبقه‌بندی‌ها، ساده‌سازی و سازماندهی جهان پیرامون و به طور اخص ساده‌سازی و ساماندهی پدیده‌های بررسی شده پژوهشگر به روشی است که روابط تبعی بین پدیده و رهاوردهای مورد علاقه برجسته شود. پژوهشگران مدیریت از چنین طرح‌های طبقه‌بندی توصیفی عنوان چارچوب‌ها یا گونه‌شناسی‌ها^۲ می‌دهند. گونه‌شناسی‌های فناوری از نگاه وودوارد، تامسون، پرو از جمله این گونه‌شناسی‌هاست. [۱۴؛ ۱۵]

۵-۱-۳- **گام سوم: تعریف روابط:** در گام سوم، پژوهشگران روابط بین خصیصه‌های معرف هر طبقه^۳ و پیامدهای مشاهده شده^۴ را مورد بررسی قرار می‌دهند. در مرحله تئوری‌پردازی توصیفی، پژوهشگران تفاوت‌ها در خصیصه‌ها و در حجم خصیصه‌ها شناسایی و برجسته می‌کنند و آنها را با الگوهای پیامدهای مورد نظر قویاً ارتباط می‌دهند. فنونی نظیر تحلیل رگرسیون نوعاً در تعریف این همبستگی‌ها مفید هستند. غالباً به ستاده مطالعات در این گام

-
1. Attributes
 2. Frameworks or typologies
 3. Category-defining attributes
 4. Outcomes observed



عنوان "مدل"^۱ می‌دهند [۱۴].

تئوری توصیفی که میزان همبستگی بین خصیصه‌های معرف هر طبقه از پدیده و پیامدهای مورد توجه را کمی، می‌کند، نوعاً فقط قادر به تدوین گزاره‌های احتمالی از روابط نشانگر "گرایش‌های متوسط"^۲ است. برای مثال، هوتون، میلر و اسکینر^۳ بررسی کرده‌اند که چگونه قیمت سهام به اعلانیه میزان درآمد، واکنش نشان داده‌اند [۱۶]. آنها انواعی از کلمات و عبارات را در قالب گزاره‌هایی به عنوان متغیرهای تبیینی و قیمت سهم به عنوان متغیر وابسته در یک معادله رگرسیون کدگذاری کردند. این تحلیل پژوهشگران را قادر ساخت تا اظهار کنند براساس نمونه شرکت‌ها و اعلان‌ها، عرضه اعلانیه‌های درآمدی به طریقی خاص می‌تواند منجر به واکنش مطلوب‌تری در قیمت سهام شود. پژوهش‌های این چنینی نوعی تئوری توصیفی مهم هستند. در عین حال در اینجا فقط می‌توان گفت که در نقطه متوسط چه خصیصه‌هایی با بهترین نتایج مرتبط می‌شود. مدیر یک شرکت خاص نمی‌تواند بداند که آیا تبعیت از "فرمول متوسط"^۴ به پیامد امیدوار کننده‌ای در موقعیت ویژه وی منجر می‌شود یا خیر. توانایی دانستن اینکه چه اقداماتی منجر به نتایج مطلوب برای یک شرکت خاص در یک وضعیت خاص می‌شود، شکل‌دهی تئوری هنجاری در آن حوزه به شرح زیر می‌طلبد [۱۴].

۶- بهبود تئوری در مرحله توصیفی

وقتی پژوهشگران از قاعده هرم به رأس هرم در این سه گام، یعنی مشاهده، طبقه‌بندی و پیوند متغیرها حرکت می‌کنند، رویکرد استقرایی در فرایند تئوری‌پردازی را دنبال کرده‌اند. زمانی تئوری بهبود پیدا می‌کند که پژوهشگران از رأس به قاعده هرم حرکت کنند و رویکرد قیاسی نیز در پیش گیرند؛ یعنی فرضیه‌هایی را که به صورت استقرایی فرموله شده‌اند، آزمون کنند. پژوهشگر با موشکافی این نکته که آیا همبستگی‌های مشابهی بین خصیصه‌ها و پیامدها در مجموعه داده‌های متفاوتی نسبت به داده‌هایی که براساس آن روابط استنتاج شده است وجود دارد یا خیر؟ وقتی اندیشمندان یک تئوری را براساس مجموعه داده‌های جدید (خواه داده‌های

1. Model
2. Arerage tendencies
3. Hotton, Miller & Skinner
4. Average formula

کمی در یک رایانه خواه مشاهدات میدانی در یک بستر جدید) می‌آزمایند، ممکن است دریابند که خصیصه‌های پدیده در داده‌های جدید با پیامدهای پیش‌بینی شده همبستگی دارند. زمانی که چنین پدیده‌ای رخ داد، این آزمون تأیید می‌کند که تئوری تحت شرایط یا اوضاع و احوال مشاهده شده قابل استفاده است. در عین حال پژوهشگرانی که در این نقطه متوقف می‌شوند مدل را به جایی در بالای هرم برمی‌گردانند، مدلی که آزمون شده ولی بهبود داده نشده است [۱۴].

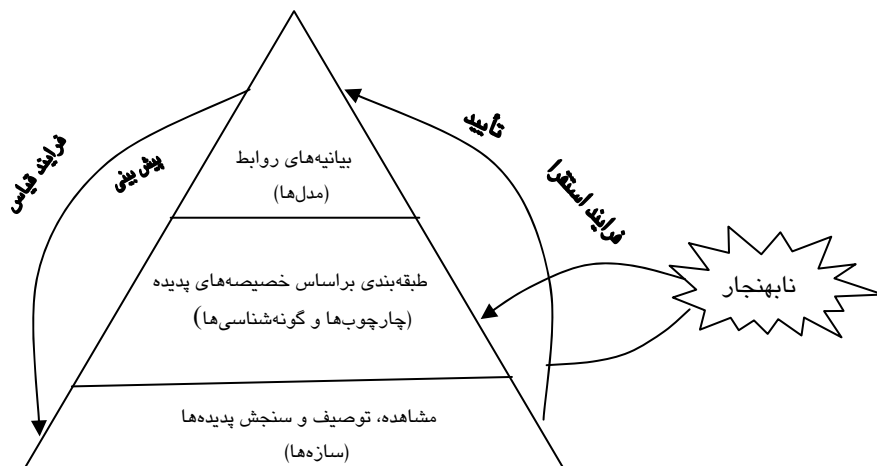
تنها زمانی که نوعی نابهنجاری^۱ شناسایی می‌شود، فرصتی برای بهبود تئوری ایجاد می‌گردد. نابهنجاری وقتی بروز می‌کند که تئوری موجود قدرت تبیین رخداد (غیرنتیجه) غیرمنتظره‌ای ندارد. همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، کشف یک نابهنجاری به پژوهشگران فرصت بازبینی مجدد طرح طبقه‌بندی را ارائه می‌دهد - طبقه‌بندی داده‌ها به طریقی متفاوت - طوری که هم نابهنجاری و هم پیوندهای پیشین بین خصیصه‌ها و پیامدها را بتواند تبیین کند. برای مثال در مطالعه چگونگی تأثیر نوآوری فناورانه بر خوش آتیه بودن شرکت‌های پیشتان، طرح اولیه طبقه‌بندی مبتنی بر خصیصه، نوآوری رادیکالی در برابر نوآوری تدریجی بود. گزاره‌های ارتباطی که براساس آن ساخته شد، نشان داد که شرکت‌های پیشتان به طور متوسط زمان مواجهه با نوآوری تدریجی خوب عمل می‌کنند، اما در مواجهه با تغییر بنیادی دچار لغزش می‌شوند.

اما در این تعمیم‌پذیری نوعی نابهنجاری به چشم می‌خورد و آن بهنجاری، شرکت‌های پیشتازی بودند که تغییر فناوری بنیادی را به طور موفق اجرا می‌کردند. برای تشریح و حل این نابهنجاری‌ها توشمن و آندرسون^۲ طرح طبقه‌بندی متفاوتی ارائه دادند: تغییرات فناورانه تقویت شایستگی در برابر تغییرات فناورانه تخریب شایستگی^۳ [۱۶]. این طرح بسیاری از نابهنجاری‌های طرح پیشین را حل کرد، اما پژوهشگران بعدی نابهنجاری‌های دیگری کشف کردند که طرح توشمن و آندرسون آنها را نمی‌توانست در نظر بگیرد. در ادامه پژوهشهای هندرسون و کلارک^۴ طبقه‌بندی نوآوری‌ها ماژولی در برابر نوآوری‌های معمارگونه^۵ و کریستنسن^۶ طبقه‌بندی فناوری‌های پایدار در برابر فناوریهای بنیان افکن^۷ و گیلبرت^۸ چارچوب

1. Anomaly
2. Tushman & Anderson
3. Competence-enhancing vs. competency - destroying technological changes
4. Henderson & Clark
5. Modular VS. architectural innovations
6. Christensen
7. Sustaining VS. disruptive technologies
8. Gilbert's

فناوری‌های تهدیدی در برابر فناوری‌های فرصت آور، نابهنجاری‌ها را کشف کردند که آثار قبلی نتوانسته بود آنها را مد نظر قرار دهد [۱۶؛ ۱۷، صص ۹-۳۰؛ ۱۸].

این مجموعه ادراکات قدرت کارگزاران و اندیشمندان را بهبود داده و برای آنها مفید واقع می‌شود؛ زیرا این اندیشمندان فرایند را به طریقی نظام‌مند دنبال کردند [۱۶]. آنها تئوری‌هایی را مطرح می‌کردند که می‌توانست ابطال شوند و می‌توانست منجر به نابهنجاری‌هایی شود. آنگاه اندیشمندان بعدی به این نابهنجاری‌ها پی بردند و سپس با تجزیه پدیده به طرق مختلف و تصریح روابط جدید بین خصیصه‌های معرف طبقه و رهاورد مورد علاقه آنها را حل کردند. شکل ۳ نشان می‌دهد که در دو طرف هرم تئوری‌پردازی دو رویکرد قیاسی و استقرایی وجود دارد. در واقع ترکیب این دو به نظر استحکام تئوری را بهتر می‌کند اگر چه اندیشمندان در باب محاسن رویکرد استقرا و رویکرد قیاسی فراوان گفته‌اند.



شکل ۳ فرایند هرمی تئوری‌پردازی [۱۴]

تلاش‌هایی که در تئوری‌پردازی توصیفی صورت می‌گیرد نوعاً براساس خصیصه‌های پدیده صورت می‌گیرد؛ زیرا مشاهده و سنجش آنها بسیار ساده است. همین‌طور فرضیه‌سازی

همبستگی‌های بین خصیصه‌ها و پیامدها و کمی کردن آنها از طریق فنونی نظیر تحلیل رگرسیون بسیار ساده است. کون^۱ اظهار می‌داشت که در طی تئوری‌پردازی توصیفی "در هم برهمی و تناقض" نوعاً نوعی هنجار هستند [۱۹]. مشخصه این مرحله، کثرت طرح‌های طبقه‌بندی است (همان طور که در توالی مطالعات تغییر فناوری دیدید)؛ زیرا پدیده‌ها نوعاً خصیصه‌های متفاوتی دارند. غالباً هیچ مدل برتری وجود ندارد: به نظر می‌رسد هر کدام قادرند نسبت به مدل‌های دیگر ناهنجاری‌ها را تبیین کنند، اما از نابهنجاری‌های خود رنج می‌برند.

۷- تبدیل تئوری توصیفی به تئوری هنجاری

درهم برهمی و تناقضی که همراه با تئوری توصیفی است زمانی برطرف می‌شود که پژوهشگران ریزبین از طریق مشاهدات تجربی و قوم‌نگاری^۲ دقیق‌تر فراتر از گزاره‌های همبستگی رفته و علل^۳ پیامدهای مورد نظر را تعریف کنند. همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود پژوهشگران به رأس هرم تئوری هنجاری حرکت می‌کنند که شالوده آنها نوعی گزاره به شرح زیر است: چه عللی مسبب پیامد مورد توجه هستند نه اینکه چه چیزی با چه چیزی همبستگی دارد. درک آنها از علیت، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا ادعا کنند که مدیران برای دست پیدا کردن به نتایجی که در پی آنند، چه اقداماتی را در پیش گیرند. به دلایل زیر تئوری هنجاری نسبت به تئوری توصیفی قدرت پیش‌بینی‌گری بسیار بیشتری دارد.

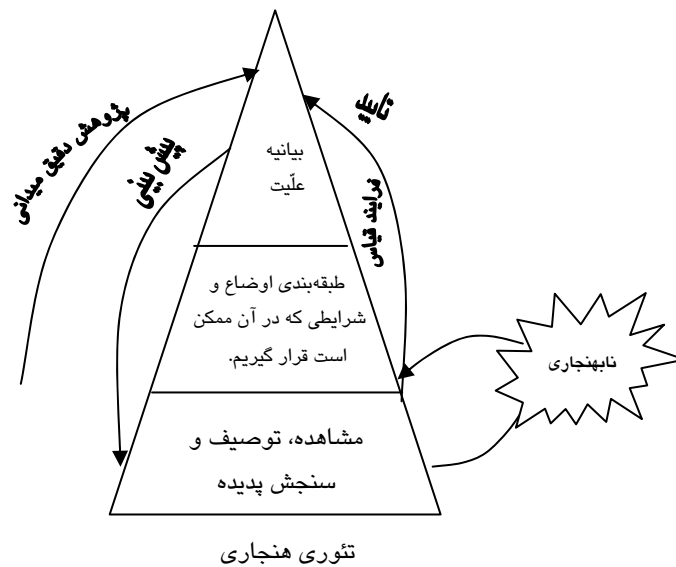
پژوهشگران با طی کردن سه گام طی شده در تئوری توصیفی، تئوری هنجاری را بهبود می‌دهند. آنها با فرض صحت بیانیه علّیت خود به صورت قیاسی به قاعده هرم برمی‌گردند تا بیانیه علت را آزمون کنند. زبان حال آنها چنین است اگر این اقدام‌ها در پیش گرفته می‌شود، پیامدها باید پیامدهایی باشند که مشاهده می‌شود.

بنابراین وقتی با یک نابهنجاری علمی مواجه می‌شوند، به موشکافی بیشتر سطوح پایین‌تر هرم برمی‌گردند. گاهی اوقات با شکل‌دهی راه‌های صحیح‌تر و دارای ابهام کمتر برای تعریف و سنجش پدیده، نابهنجاری‌های علمی را حل می‌کنند. غالباً برای بررسی بیشتر به کاویدن^۴ مرحله طبقه‌بندی می‌پردازند. در عین حال، به‌جای استفاده از طرح‌های مبتنی بر خصیصه‌های یک پدیده، طبقه‌های از

1. Kuhn
2. Empirical & ethnographic observation
3. Causes
4. Delve



وضعیت‌ها یا اوضاع و احوال متفاوت می‌سازند که مدیران ممکن است خود را در آنها بیابند. وقتی با نابهنجاری علمی مواجه می‌شوند، با طرح این سؤال که وضعیتی که مدیران در آن قرار گرفته‌اند، منجر به نوعی سازوکار علی شد که خود نتیجه متفاوتی به دنبال داشت، دست به این مهم می‌زنند. پژوهشگران با چرخش به بالا و پایین هرم تئوری هنجاری در نهایت مجموعه‌ای از وضعیت‌ها یا شرایطی را تعریف می‌کنند که در آن مدیران ممکن است هنگام دنبال کردن پیامدهای مورد نظر خود، قرار می‌گیرند [۱۶]. این امر به پژوهشگران اجازه می‌دهد بیانیه‌های مشروط علیت^۱ را بسازند تا نشان دهند که چگونه و چرا سازوکار علی منجر به پیامدهای مختلف در وضعیت‌های مختلف می‌شود. یک تئوری زمانی گذار از تئوری توصیفی به هنجاری را کامل می‌کند که بتواند رهنمودی غیر مبهم به مدیر در مورد این سؤال بدهد که با توجه به وضعیت چه اقداماتی منجر به نتایج مطلوب خواهد شد و چه اقداماتی نخواهد شد، شکل ۴ نشانگر این مطلب است [۱۴].



شکل ۴ انتقال از تئوری توصیفی به تئوری هنجاری [۱۴، ص ۶]

1. Contingent statements of causality

۸- روش شناسی تئوری پردازی لین هام

لین هام در سال ۲۰۰۲ در فصلنامه توسعه منابع انسانی نوعی شیوه عمومی برای انجام پژوهش تئوری پردازی کاربردی ارائه کرد (شکل ۵). به گفته وی می توان براساس پارادایمهای متعدد و چندگانه تئوری های کاربردی را شکل داد. به زعم وی نگاه اندیشه ورز نیز باید در آن تئوری مدنظر قرار گیرد. به علاوه به اعتقاد وی فرایند تئوری پردازی باید در حوزه کاربردی چنان واضح باشد که آن حوزه را به عنوان یک حرفه به تصویر بکشد [۲۰، صص ۲۲۱-۲۴۱].

محور اصلی و متمایزکننده این روش شناسی با دیگر روش شناسی در آن است که شیوه لین هام از قصد به نحوی طراحی شده است که پارادایمهای چند گانه را در برمی گیرد و منطق قیاسی و همین طور استقرایی را برمی تابد. به گفته دوبین و ری نولدز چون مراحل شیوه لین هام بسیار کلی است قادر است شهود، خلاقیت و کنجکاوی^۱ پژوهشگر را در مراحل مختلف به هم گره زند [۶؛ ۲۱؛ ۲۲، صص ۵-۲۴]. این سه عامل به طور مستقیم فرایند پژوهش را تحت تأثیر قرار می دهند و ماهیتاً غیرخطی هستند. به اعتقاد صاحب نظران اگر چه مدل دوبین قادر به ارائه نوعی مکان مفهومی^۲ برای این سه عامل نیست ولی شیوه لین هام قادر به انجام چنین کاری است [۲۰، صص ۲۲۱-۲۴۱]. به عبارت دیگر شیوه لین هام ما را به درکی گسترده و در عین حال کلی نگرانه از مسیر تئوری پردازی تجهیز می کند. علاوه بر این به گفته توراکو^۳ شیوه لین هام از شیوه های متعدد پژوهشی برای تئوری پردازی بهره می گیرد [۲۳، صص ۱۱۴-۱۳۷]. به اعتقاد صاحب نظران در این روش شناسی کلی می توان از پژوهش تئوری داده بنیاد^۴ پژوهش فرا تحلیل^۵ پژوهش ساخت اجتماعی^۶ و پژوهش مطالعه موردی^۷ [۴] استفاده کرد [۴؛ ۲۴؛ ۲۵].

این روش شناسی نیز مانند سایر روش ها، اجزا و عناصری دارد. بر این اساس مراحل تئوری پردازی از دیدگاه لین هام شامل پنج مرحله است: شکل دهی مفهومی^۸، عملیاتی سازی^۹،

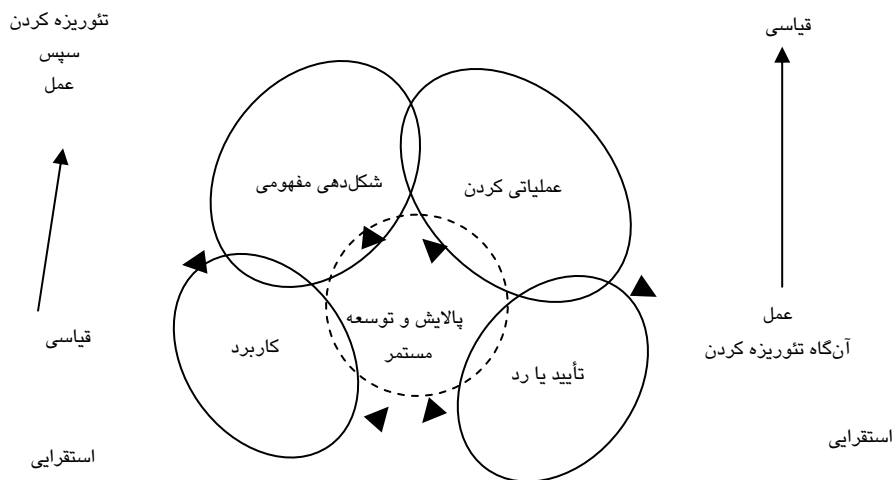
1. Intuition, creativity, curiosity
2. Conceptual place
3. Torraco
4. Grounded theory
5. Meta-analysis research
6. Social construction research
7. Case study resealed
8. Conceptual development
9. Operation alization



تأیید^۱، کاربرد و پالایش^۲ و توسعه مستمر تئوری^۳. نکته مهم آن است که هم منطق قیاسی را و هم منطق استقرایی را برمی‌تاباند و هم رفت و برگشتی و هم تعدد پارادایمی (هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی متعدد) را (اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی، ...) برمی‌تاباند.

شکل ۵ بازنمای از مراحل پنجگانه این شیوه را نشان می‌دهد.

محیطی که در آن زندگی می‌کنیم و جهان را مشاهده و تجربه می‌کنیم.



شکل ۵ شیوه کلی پژوهش تئوری‌پردازی در رشته‌های کاربردی لین‌هام [۲۰؛ ۱۴]

۱- **مرحله شکل‌دهی مفهومی:** در این مرحله عناصر کلیدی تئوری شناسایی، روابط توصیف و محدودیت‌ها و شرایط مشخص می‌شود.

۲- **مرحله عملیاتی‌سازی:** در این مرحله، مفاهیم در بوته عمل نمایش داده می‌شوند. به عبارت دیگر چارچوب مفهومی به عناصر سنجش‌پذیری تبدیل می‌شوند که می‌توان آنها را در جهان واقعی تأیید کرد.

۳- **مرحله تأیید یا رد:** در این مرحله، چارچوب عملیاتی (که براساس چارچوب تئوریک) طراحی شده در جهان واقعی به بوته آزمون گذاشته می‌شود. نکته کلیدی در این مرحله انجام

1. confirmation or disconfirmation
2. Application
3. ongoing retirement and development

پژوهش برای کشف قابلیت کاربرد تئوری است. به عبارت دیگر، اهداف پژوهش به طور مستقیم با عملیاتی کردن تئوری گره داده می‌شود.

۴- **مرحله کاربرد:** در این مرحله مشخص می‌شود که آیا تئوری به دست آمده در بهبود کنش فردی و یا سازمانی و حل مسأله فراروی فرد یا سازمان مفید است یا خیر. به گفته لین‌هام تأیید صرف تئوری کفایت نمی‌کند؛ تئوری تأیید شده باید در عمل نشان دهد که قادر به حل مسأله‌ای است؛ کاربرد هر تئوری در عمل منجر به شناخت قوت‌ها و ضعف‌های آن تئوری می‌شود که در ادبیات تئوری عمومی سیستم‌ها "بازخور" نامیده می‌شود. این بازخور تئوری‌پرداز را بر آن می‌دارد تا تئوری را از نو پالایش و توسعه دهد.

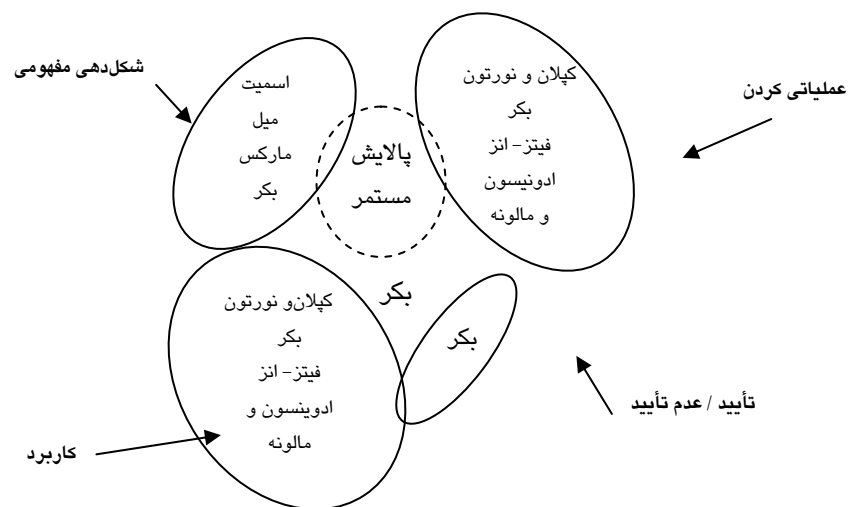
۵- **پالایش و توسعه مستمر:** در این مرحله از به‌روز بودن مستمر و بهبود به‌هنگام تئوری اطمینان حاصل می‌شود. تئوری‌پردازی کاربردی ماهیت "رفت و برگشتی" دارد و توجه مستمر به مناسب بودن و مطلوبیت تئوری برای تضمین اعتبار آن ضروری است. شیوه کلی لین‌هام روشی فراگیر و گسترده‌دار برای اندیشیدن در باب تئوری‌پردازی است. اما با قدری تأمل باید گفت که فرایند تئوری‌پردازی صرفاً پدیده‌ای نیست که با استفاده از یک شیوه کلی روشن شود. این شیوه کلی لین‌هام فی‌نفسه می‌تواند به سه طریق مهم و در عین حال متفاوت مورد استفاده قرار گیرد [۲۰، صص ۲۲۱-۲۴۱]:

- ۱- به عنوان ابزاری برای ارزیابی سهم اندیشمندان در رشته‌های مختلف در گذر زمان؛
 - ۲- به عنوان شیوه برای ارزیابی انتقادی دقت علمی و اعتبار درونی و بیرونی یک تئوری؛
 - ۳- به عنوان چارچوبی که در شناسایی دستور کار پژوهشی^۱ آتی کمک کننده است.
- برای روشن کردن نحوه استفاده شیوه کلی لین‌هام در این روش‌های مختلف، تجربه یکی از اندیشمندان مفید خواهد بود [۲۶]. استوربرگ^۲ در سال ۲۰۰۲ مقاله‌ای در فصلنامه "مروری بر توسعه منابع انسانی" با عنوان تکامل سرمایه اجتماعی: نقدی بر تئوری سرمایه اجتماعی و رهنمودهای آن برای توسعه منابع انسانی چاپ کرد. به اعتقاد وی در این پژوهش تئوری‌های متعددی در مورد سرمایه از جمله تئوری سرمایه اجتماعی، تئوری سرمایه سازمانی، تئوری سرمایه عملیاتی مشخص شد. وی برای تشخیص تفاوت‌های این تئوری‌ها، احصای شباهت‌های آنها و تأثیر آنها بر پژوهش تلاش گسترده‌ای انجام داد. به اعتقاد وی این فرایند کار برای وی که خود را

1. Research agenda
2. Stromberg



در تئوری‌پردازی مبتدی می‌خواند، دشوار بود؛ زیرا برای فهم این مسائل یک چارچوب مفهومی در اختیار نداشت. اما چارچوب لین هام وی را کمک کرد تا تفاوت‌ها، شباهت‌ها و حوزه‌های پژوهش آتی را مشخص سازد. در نهایت وی شیوه کلی لین هام را به عنوان ابزاری برای ارزیابی مشارکت‌های تاریخی در تئوری سرمایه و به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های آتی استفاده کرد.^۱ شکل ۶ نشان می‌دهد که چگونه شیوه کلی لین هام وی را در طبقه‌بندی مجموعه‌ای از پژوهش‌های پیشین در باب سرمایه اجتماعی کمک کرد. وی پژوهش‌های پیشین را در مراحل مختلف تئوری‌پردازی دوبین جای داد. برحسب وضعیت هر پژوهش، جایگاه آن پژوهش را در چارچوب لین هام مشخص کرد. به گفته وی فقط پژوهش بکر همه مراحل پنجگانه را طی کرده است [۲۰]، صص ۲۲۱-۲۴۱]. تئوری‌های دیگر سرمایه اجتماعی صرفاً یک، دو یا سه مرحله چارچوب لین هام را طی کرده‌اند. اندازه نسبی هر مرحله را می‌توان برای روشن‌تر کردن بیشتر حوزه‌هایی که از پژوهش‌های آتی منتفع خواهد شد، دست‌کاری کرد. علاوه بر آن به علت نبود شکل‌دهی مفهومی و تأیید و عدم تأیید در زمینه سرمایه ملموس، دستور کار پژوهش آتی روشن شد.

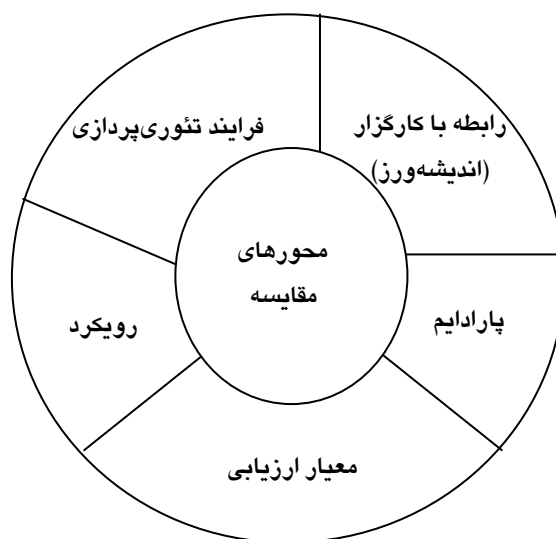


شکل ۶ شیوه کلی لین هام [۲۰۰۲]؛ نقشه سهم پژوهش‌های مختلف در درک سرمایه اجتماعی

۱. اندیشمندی به نام Mesut Akdere نیز رساله خود را با عنوان تئوری سرمایه اجتماعی و آثار ضمنی آن برای توسعه مدیریت منابع انسانی از روش‌شناسی لین هام استفاده و در مجله Singapore management Review چاپ کرده است.

۹- مقایسه روش‌شناسی‌های تئوری‌پردازی

در این بخش به مقایسه چهار روش‌شناسی (دوبین، وِن دی وِن، کارلایل و کریستنسن و لین هام) پرداخته می‌شود. شکل ۷ چارچوب مفهومی مقایسه را نشان می‌دهد.



شکل ۷ چارچوب مفهومی مقایسه

براساس چارچوب مفهومی فوق، جدول ۱ اجزای اساسی تئوری‌پردازی در حوزه تئوری‌پردازی کاربردی یا به اعتقاد وِن دی وِن "علم حرفه‌ای" را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد هر چهار روش‌شناسی گام‌های مشخصی را طی می‌کنند؛ برای ارزیابی تئوری خوب معیارهایی دارند و رابطه مشخصی بین اندیشمند و اندیشه‌ورز قائل‌اند؛ به رویکرد یا پارادایمی خاص معتقدند. شباهت‌ها و تفاوت‌های این چهار شیوه نیز قابل توجه است:

۱- شیوه دوبین نسبت به دیگر شیوه موجزتر است، اما به مبتدیان در امر تئوری‌پردازی روشن‌ترین نقشه را در فرایند تئوری‌پردازی نشان می‌دهد [۶]:



- ۲- چون شیوه دوبین سنتی، خطی و تجربی است، نسخه قابل درکی از اجزای تئوری‌پردازی موثق را ارائه می‌دهد؛
- ۳- علی‌رغم این محاسن در شناسایی و حل پدیده‌های اجتماعی پیچیده، چند بعدی، موقت و زمینه محور فراروی اندیشمندان و اندیشه‌ورزان در حوزه مدیریت فاقد انعطاف است؛
- ۴- دو شیوه دیگر (لین هام و ون دی ون) شباهت‌های زیر دارند.
- هر دو مدعی‌اند که تئوری‌پردازی می‌تواند از هر نقطه آغاز شود.
 - هر دو رویکرد چند پارادایمی به تئوری‌پردازی را می‌پذیرند.
 - هر دو بر اهمیت چارچوب مفهومی یا مدل‌سازی صحه می‌گذارند.
 - هر دو استدلال قیاسی و استقرایی را می‌پذیرند.
- ۵- هر دو شیوه در برقراری ارتباط بین عناصر اصلی مدل خود، ناتوان‌اند.
- برای مثال در مدل ون دی ون رابطه بین واقعیت و تئوری و بین مدل و حل وجود ندارد.
 - برای مثال در مدل لین‌هام رابطه بین کاربرد، عملیاتی‌سازی، شکل‌دهی مفهومی و تأیید یا نداشتن تأیید مورد چالش است.
- ۶- تفاوت‌های اصلی مدل لین هام و ون دی ون در موارد زیر است:
- در مدل ون دی ون، مشارکت کارگزار در تعیین واقعیت و راه حل از طریق پژوهش در محل کار به طور واضح ضروری به‌نظر می‌رسد. ولی لین هام نقش کارگزار در فرایندهای تئوری‌پردازی را تصریح نمی‌کند. در حقیقت لین‌هام ادعا می‌کند که در طی مرحله کاربرد که پیوندها با عمل برقرار می‌گردد، رهاورد مهم قادر کردن تئوری‌پرداز به استفاده از تجربه و یادگیری است، به‌جای آنکه رهاورد به سمت و سوی راهنمای کردن کارگزاران گره داده شود.
- ۷- از آن جایی که "چرخه پالایش و توسعه مستمر" در مرکز ثقل مدل تئوری‌پردازی لین‌هام قرار دارد، روشن‌ترین توصیف و نمایش از فرایند دُوری و مستمر تئوری‌پردازی را نشان می‌دهد. اما مدل ون دی ون که مدعی است فرایند تئوری‌پردازی می‌تواند در هر نقطه واحدی آغاز در ترسیم فرایند تکراری تئوری‌سازی کمتر اثربخش است؛
- ۸- مدل ون دی ون روشن‌ترین معیار برای ارزیابی یک تئوری در هر گام را نشان

می‌دهد ولی مدل لین هام چنین نمی‌کند؛

۹- در حالی که در دیدگاه مدل ون دی ون فرایند تئوری‌پردازی ریشه در پژوهش و عمل دارد، مدل لین‌هام رابطه بین طرح پژوهش و تئوری‌پردازی را به صورت صریح نشان نمی‌دهد؛

۱۰- در مدل ون دی ون، تئوری، حل و واقعیت به‌طور عمیق با طرح پژوهش و کاربرد گره خورده‌اند. مدل ون دی ون حتی گامی فراتر نهاده و حلقه‌های ارتباطی بین تعریف واقعیت، خلق فرضیه‌ها و طرح پژوهش را توصیف کرده است. این ادعا را می‌توان در نوشته پول، ون دی ون، رولی و هلمز در سال ۲۰۰۰ پیدا کرد که ادعا می‌کنند مهم نیست ایده‌های تئوریک چقدر پربارند، پژوهشگران صرفاً با داشتن شیوه پژوهش در ذهن می‌توانند مدل‌ها و فرضیه‌های دقیق و معنادار را بسازند. دیگر تفاوت‌های زیر دارد:

۱۱- به نحوی روشن رویکرد استقرایی

۱- مدل کارلایل و کریستنسن با سه مدل و قیاسی را به هم گره می‌زند.

۲- برای تئوری سطح‌بندی قایل است: توصیفی و هنجاری

۳- به نحوی روشن پیشرفت علمی را نشان می‌دهد. کشف نابهنجاری که در ادبیات توماس کون بسیار اساسی است، در ارتقا و بهبود تئوری‌ها در مدل کارلایل و کریستنسن به چشم می‌خورد.

۴- مراحل تئوری‌پردازی موجود و در عین حال کامل بیان شده است.

۱۲- مدل کارلایل و کریستنسن با سایر مدل‌ها شباهت‌هایی نیز دارد.

۱- گام‌های سه‌گانه در مدل کارلایل و کریستنسن با گام‌های دوبین، ون دی ون و لین‌هام سنخیت نزدیکی دارد.

۲- مانند مدل ون دی ون و لین‌هام رویکرد قیاسی و استقرایی را بر می‌تاباند.

با مطالعه کاربرد هر چهار روش‌شناسی مشخص شد که روش‌شناسی لین مورد اهتمام افراد زیادی در حوزه تئوری‌پردازی قرار گرفته است؛ به طوری که استراتژی‌های متفاوتی برای اجرای این روش‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. در این کتاب بر اساس روش‌شناسی لین‌هام، استراتژی‌ها تئوری‌پردازی مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۱ تطبیق فرایندهای پژوهش تئوری‌پردازی دوبین (۶)، لین‌هام (۲۰) و ون دی ون [۱۲]. کارلایل و کریستنسن [۱۴]

معیارها	روش‌شناسی دوبین	روش‌شناسی کارلایل و کریستنسن	روش‌شناسی ون دی ون	روش‌شناسی لین‌هام
* پارادایم	اثبات‌گرا • واحدهای تئوری • قوانین تعامل واحدها • مرزها • حالات سیستم • قضایا (گزاره‌های حکمی) • شاخص‌های تجربی • فرضیه‌های آزمون‌پذیر • پژوهش دائمی باید توالی را رعایت کند	چند پارادایمی • مشاهده • طبقه‌بندی • تعریف روابط • یافتن علت‌ها	چند پارادایمی • واقعیت • مدل مفهومی • تئوری • حل	چند پارادایمی • شکل‌دهی مفهومی • عملیاتی کردن • تأیید یا عدم تأیید • کاربرد
* رابطه با کارگزاران	• نقش اساسی در تدوین و آزمون تئوری‌ها	• نقش اساسی • کارگزار در سه مرحله • مشاهده / • طبقه‌بندی / • تعریف روابط	• نقش اساسی در آزمون تئوری‌ها • چهار گام • تئوری‌پردازی • فرموله کردن • مسأله • شکل‌دهی تئوریه‌ای • بدیل • گردآوری قرائن • کاربرد یافته‌ها	• نقش اساسی در آزمون تئوری‌ها
معیارهایی برای ارزیابی تئوری‌ها	گام ۱: واسوس و بکر-بودن، مانع بودن، کامل بودن، سازگاری منطقی، درجه سازگاری با محدودیت‌ها	• مطلوبیت / • تناسب دقت • تجربی اعتبار	• روایی • مناسبت • اثر • پایایی	• روایی درونی - کثرت‌گرایی میان رشته‌ای - کثرت‌گرایی در داده‌ها • روایی بیرونی

ادامه جدول ۱

معیارها	روش‌شناسی دوبین	روش‌شناسی کارلایل و کریستنسن	روش‌شناسی وِن دی وِن	روش‌شناسی لین‌هام
معیارهایی برای ارزیابی تئوری‌ها	گام ۲: کارایی، مانع بودن گام ۳: تجانس، تعمیم‌پذیری گام ۴: مانع بودن، آشکار بودن گام ۵: سازگاری، صحت، مانع بودن گام ۶: عملیات سنجش مشخص است؛ نتایج یا ارزش‌ها شناسایی می‌شوند. گام ۷: هر فرضیه یا قضیه‌ای که از آن احصا شد، قابل پیش‌بینی است؛ شرایط ضروری و مکفی برای هر واحد شناسایی می‌شوند.		- طبقه‌بندی جامع و مانع متقابل • پایایی - داده‌های مفید درباره نحوه کار جهان، شناسایی طبقه‌ها، انجام پیش‌بینی‌ها و ظاهر کردن نابهنجارها	
رویکرد	قیاسی	قیاسی / استقرایی	قیاسی	قیاسی / استقرایی

۱۰- نتیجه‌گیری

تئوری را در کلی‌ترین معنا می‌توان یک یا چند فرضیه^۱ در باب پدیده‌ای خاص نظیر مکانیک،

۱. تفاوت این نکته با درک متعارف (Common sense) از تئوری که مدعی است تئوری فرضیه‌های تأیید شده است؛ یعنی وقتی می‌گوییم تئوری دیگر نمی‌توان آن را معادل فرضیه یا فرضیه‌ها دانست، در کلام پویر که معتقد است هرگز نمی‌توان حقیقت یک تئوری کلی و توضیح دهنده را با استدلال و یافته‌های تجربی ثابت کرد، گفتارهای مشاهده‌ای تعیین‌کننده (یعنی تأییدات استقرایی هر اندازه زیاد هم که باشند، هرگز نمی‌توانند یک تئوری را به طور نامحدود به عنوان "درست" اثبات برسانند، اما ممکن است پیش آید که برخی گفتارهای آزمایشی (مشاهده‌ای)، یک تئوری را چونان "نادرست" به اثبات برسانند. بنابراین علم برای انتخاب از بین چند تئوری رقیب ضابطه‌ای در دست دارد که با آن می‌توان تئوری‌های نادرست را مجزا کند، اما اصولاً هرگز نمی‌تواند ←



نور، مدیریت، اخلاق، یادگیری یا بلوغ جنسی تعریف کرد [۲۸؛ ۲۹]. به طور خلاصه تئوری تلاشی برای درک کردن، معنابخشی، تبیین و در برخی موارد کنترل و پیش‌بینی و همین طور برخی از چیزهای مورد علاقه تئوری‌پرداز نظیر ویژگی‌های آتی جهان (رشد بچه‌ها، تغییرات جوی، ...) و گاهی اوقات چیزی به "انتزاعی بودن" احتمالات در ریاضیات است. براین اساس همه ما به طور پیوسته و مستمر تئوری‌هایی را می‌سازیم.

روش‌شناسی‌های بررسی شده در این فصل اگر چه یاری دهنده‌اند ولی وافی به کمال نیستند. اگرچه روش‌شناسی دوبین نسخه روشنی برای تئوری‌سازی ارائه می‌دهد ولی ابزار ضروری برای این چالش را ارائه نمی‌دهد. اما مدل‌های ون دی ون و لین‌هام چارچوب‌هایی ارائه می‌دهند که مناسب‌تری برای تئوری‌پردازی در باب پدیده‌های سازمانی و مدیریتی پیچیده، چند لایه، رفت و برگشتی و گسسته دارند؛ از این جهت این دو مدل نسبت به مدل دوبین برتری دارند؛ زیرا:

۱- تئوری کاربردی در حوزه‌ای نظیر مدیریت که ماهیتاً کاربردی است، رفت و برگشتی است؛

۲- با توجه به ماهیت پدیده‌ها در سازمان و در عرصه مدیریت طرح‌ها و شیوه پژوهشی از پارادایم‌های مختلف یکدیگر را کامل می‌کنند و در دو مدل آخر این نکته مدنظر قرار گرفته است؛

۳- برای ارزیابی هر مرحله از فرایند تئوری‌پردازی معیارهایی ارائه شده است که در مدل دوبین به چشم می‌خورد.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران تئوری‌پردازی در عرصه مدیریت و سازمان مستلزم شیوه‌ها، استراتژی‌ها و ابزار منعطف و سیال و تکراری است؛ زیرا مسائل فراروی مدیریت و سازمان منعطف، سیال و تکراری هستند. عمده موضوعات که در رشته مدیریت و حوزه‌های فرعی آن وجود دارند، نظیر مدیریت انگیزش کارکنان، مدیریت یادگیری سازمانی، مدیریت دانش، تغییر و تحول سازمانی، توسعه فردی و حرفه‌ای، فرهنگ و جو سازمانی حاوی فرایندهای اجتماعی- فنی پیچیده‌ای‌اند که ساخت و تدوین تئوری برای آنها از عهده یک

→ مطمئن باشد که تئوری‌های باقیمانده روزی بر مبنای گفتارهایی آزمایشی جدیدی تکذیب شوند. به این ترتیب پوپر بر یک اصل اساسی تأکید می‌کندو آن چشم‌پوشی از ادعای حقیقت‌گویی علم است (رفعی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۶۷). پس تئوری همیشه وضعیتی فرضیه‌ای دارد.

روش‌شناسی خطی برنمی‌آید [۳۰، صص ۶۹-۸۲؛ ۳۱ صص ۲۷۳-۲۷۵؛ ۳۲]. از این رو نوعی روش‌شناسی می‌طلبد که ترکیبی از پارادایم‌های پژوهشی را مد نظر قرار می‌دهد. مدل لین هام و ون دی ون از ویژگی توجه به پارادایم‌های مختلف پژوهشی و همین‌طور پیوند تئوری با عمل و رفت و برگشتی بودن چرخه تئوری‌پردازی برخوردارند.

به نظر می‌رسد مدل کارلایل و کریستنسن که با فلسفه علم معاصر سازگاری بیشتری دارد، مناسب‌تر است اگر چه هر کدام حایز ارزش هستند. توجه به ناهنجاری^۱ و کشف آن به عنوان نقطه آغازین تئوری جدید، دسته‌بندی گزاره‌ای از تئوری‌ها (توصیفی و آنگاه هنجاری)، ترکیب رویکرد قیاسی با استقرایی از نقاط قوت این مدل است.

۱۱- منابع

- [۱] دانائی فرد ح؛ الزامات عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات: تئوری‌پردازی در مدیریت دولتی؛ دانش مدیریت، ش ۶۴، ۱۳۸۳.
- [۲] بهاری فر ع؛ دانایی فرد ح. توسعه تئوری‌ها در علم الاجتماع: ضرورت تدوین معیارهای ارزیابی تولید علم تئوری‌پردازی؛ مدرس؛ ۱۳۸۶.
- [۳] دانائی فرد ح؛ تئوری‌پردازی در مدیریت و سازمان: ارزیابی سهم تئوریک آثار علمی؛ دانش مدیریت، ش ۶۶؛ ۱۳۸۳.
- [۴] دانائی فرد ح؛ (در دست بررسی)؛ تئوری‌پردازی: استراتژی‌ها و تئوری عمومی تئوری‌پردازی؛ تهران: سمت.
- [۵] دانائی فرد ح؛ (در دست بررسی)؛ تئوری‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها. تهران: سمت.
- [۶] راپرت د. (در دست چاپ)؛ تئوری‌پردازی؛ ترجمه: حسن دانائی فرد.
- [7] Kaplan, A.; *The conduct of inquiry: Methodology for behavioral science*; San Francisco: Chandler, 1964.
- [8] Gioia D. A.; Pitre E.; Multi paradigm perspective on theory building; *Academy*

1. Anomaly



- of Management Review*, Vol. 15 No.4, 1990.
- [9] Alvesson M., Deetz, S.; *Doing critical management research*. London: Sage, 2000.
- [10] Passmore D. L.; Invited reaction: Pick a paradigm, any Paradigm; *Human resource Development Quarterly*, Vol.1, No.2, 1(2), 1990.
- [11] Whetten D.A.; What constitutes a theoretical contribution; *Academy of Management Review*, Vol.14, No.4, 1989.
- [12] Van de Ven, A. H.; *Engaged scholarship: A guide for organizational and social research*; London: Oxford University Press, 2007.
- [13] Van de Ven.; Noting is quite so practical as good Theory”; *Academy of Management Review*, Vol.14, No.4, 1989.
- [14] Carlile P. R., Christensen, Clayton M.; *The process of theory building*; Harvard Business School, 2002.
- [۱۵] هچ، م.ج؛ *تئوری سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن*; ترجمه حسن دانائی فرد. تهران: نشر افکار، ۱۳۸۵.
- [16] Hutton A. Miller, G., Skinner D.; Effective voluntary disclosure, *Harvard Business School Working Paper*, 2002.
- [17] Henderson R. M.; Clark K. B.; Architectural innovation: The reconfiguration of existing systems and the failure of established firms; *Administrative science Quarterly*, Vol.35, No.9, 1990.
- [18] Christensen C. M.; *The innovator's dilemma: When new technologies cause great firm to fail, Boston*; Harvard Business School Press, 1996.
- [۱۹] کون ت؛ *ساختارهای انقلابی علمی*; ترجمه عباس طاهری: تهران: ۱۳۸۳.
- [20] Lynham S.; The general method of applied theory building research; *Advances in Developing Human Resources*, Vol.4, No.3, 2002.
- [21] Reynolds P.D.; *A primer in theory construction*; New York, Macmillan, 1971.
- [22] Marsick V. J.; Altering the paradigm for building theory and research in human resources development; *Human Resource Development Quarterly*, Vol.1,

No.1, 1990.

- [23] Torraco R. J.; Theory building research methods. In e. A. Swanson & E.F. Holto ITI (Eds.), *Human Resource Development Handbook: Linking Research And practice*, San Francisco: Berrett- Koehler, 1997.

[۲۴] دانایی فرد ح.؛ تئوری پردازی با رویکرد استقرایی: استراتژی تئوری داده بنیاد؛ *دانشور*، سال دوازدهم، دوره جدید. تیر ۱۳۸۴.

[۲۵] دانایی فرد ح.؛ الوانی، س م.، آذر، ع.؛ *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مطالعات مدیریت: رویکردی جامع*؛ تهران، انتشارات صفار، ۱۳۸۳.

- [26] Burgelman R.; *Strategy is destiny*; New York: The Free Press, 2002.

[27] Storberg J.; Evolution of capital theory: A critique of a theory of social capital and implications for HRD; *Human Resource Development Review*, Vol.1, No.4, 2002.

- [28] Argyris C.; Shcun D.A.; *Organizational learning iT tTheory, method, and Practice*; New York: Addison-Wesley, 1996.

[۲۹] فرنج و.؛ *مدیریت تحول سازمانی*؛ ترجمه دکتر سید مهدی الوانی، دکتر حسن دانایی فرد. تهران: انتشارات صفار، ۱۳۸۳.

- [30] Swanson R. A.; "Research and development"; *Performance Improvement Quarterly*, Vol.1, No.1, 1988.

[31] Swanson R. A., "Theory and others irrelevant matters"; *Human Resource Development international*, Vol.3, No. 3.

- [32] Weick K. E.; "What theory is not, Theorizing is"; *Administrative Science Quarterly*, Vol.40, No.3, 38, 1995.